یادداشت روز

تلاقی دو اراده پولادین در هندسه قدرت

راهپیمایی اربعین قطعاً باشکوه‌ترین رخدادی است که نمونه آن را در طول تاریخ نداشته‌ایم و این فستیوال بزرگ تاریخی حاصل نگاه راهبردی امام شـــهید انقلاب و تلاش بی‌وقفه سیدالشهدای جبهه مقاومت شهید سلیمانی است که با سقوط دولت بعث عراق از سال ۱۳۸۱ شکل گرفت و امروز شـــاهد حضور دهها میلیونی عاشقان حسین بن علی(ع) و نمایش قدرت جبهه مقاومت در برابر جبهه کفر هستیم. آنچه این روزها در عراق دیده شد، در واقع اوج بصیرت ملت مبعوث شده و انقلابی ایران و عراق را به نمایش گذاشـــت و در این نمایش قدرت، شاهد تلاقی دو خورشید درخشان در سپهر استقامت بودیم؛ دو پدیده‌ای که هرچند در ظاهر دو ساحت متفاوت دارند، اما در حقیقت، دو روی یک سکه‌اند که ضرب آن «اقتدار ملی» و «ظهور تمدنی» است. از یک‌سو، میدان دفاع مقدس که نزدیک به ۱۶۰روز است با نفس‌های گرم و گام‌های استوار مردم در خیابان‌ها و تجمعات حماسه‌آفرین، خاکریزهای دشمن را در جنگی ترکیبی به لرزه درآورده است و از ســـوی دیگر، اقیانوس بیکران «اربعین» که به عنوان تمدن‌ســـازترین رزمایش معنوی بشر، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و طنین «لبیک یا حســـین» را به گوش جهانیان رسانده است. قطعاً آن روز از دهه ۸۰ که امام شـــهید روشن ضمیر ما به مالک اشتر میدان نبرد خود حاج قاسم مأموریت دادند که راهپیمایی اربعین، این پدیده بی‌نظیر مبعوث شدن شیعه را طراحی و اجرا کنند بدرستی می‌دانستند که روزگاری نه‌چندان دور فرا خواهد رسید که جهان با چنین تجمع گسترده‌ای در بُهت و حیرت فرو خواهد رفت. یقیناً امام شهید برای این روزهای راهپیمایی اربعین مأموریت داشتند همان‌گونه که برای مبعوث شدن ملت ایران به خیابان‌ها پس از جنگ رمضان مأموریت داشـــتند. مأموریت راهپیمایی اربعین در سال ۱۳۸۱ پس از حمله آمریکا به عراق و آمادگی مردم عراق در پذیرش برادران ایرانی خود آغاز شـــد و مأموریت مبعوث کردن ملت ایران به خیابان با شهادت مظلومانه این نفس زکیه الهی در جنگ رمضان آغاز شـــد. در رابطه با اربعین امسال که استثناءترین اربعین در طول این سال‌ها بود، چند نکته گفتنی است:

۱- در این رســـتاخیز بزرگ، برخی ذهن‌های پرسشگر به این دوگانه می‌اندیشـــیدند که «راهپیمایی اربعین یا تجمع خیابانی؟». پاسخ به این ســـؤال، نه در پیچیدگی‌های تحلیل‌های سیاســـی که در بطن فرهنگ عاشـــورایی نهفته است. مگر می‌شود میان امام حسین(ع) و راه او تضاد قائل شد؟ مگر می‌شود میان دفاع از حریم ولایت در میدان جهاد تبیین خیابان‌ها و بیعت با خون خدا در مسیر نجف به کربلا، انفکاک ایجاد کرد؟ ایـــن دو، نه تنها تضادی ندارند، بلکه مکمـــل و مقوّم یکدیگرند. جبهه واحدی هستند با دو عرصه؛ در یکی «اعلام اراده مقاومت » و در دیگری «نمایش قدرت مقاومت» وجود دارد.

۲- دشـــمن زبون که در میدان عمل، ســـیلی‌های پی‌درپی از اراده ملت ایران خورده اســـت و در عرصه‌های سخت نظامی و امنیتی، آرزوی فروپاشـــی نظم اجتماعی را به گور برده است، بار دیگر در اربعین امسال به سیاق همیشگی‌اش به جنگ نرم و عملیات روانی روی آورد و اتاق‌های فکر غربی- عبری- عربی که «راهپیمایی اربعین» را مورد آماج حملات خود قرار می‌دادند، می‌دانستند این مراسم بی‌نظیر، ستون فقرات قدرت نرم جبهه مقاومت اســـت و تنها یک رزمایش و پیاده‌روی آیینی نبوده و نیست؛ بلکه بزرگ‌ترین مانور قدرت منطق حسینی علیه نظام سلطه است.

تلاش مذبوحانه دشمن برای «کاستن از شکوه اربعین»، «ایجاد ناامنی روانی»، «دمیـــدن در آتش تفرقه بین دو ملت ایران و عراق» و «تخریب اعتماد عمومی»، نشـــان از عمق استیصال آنان دارد. دشمن می‌داند که اگر این سیل خروشان انسانی، پیوند قلبی خود را با آرمان‌های انقلاب و مرجعیت هوشمند حفظ کند که بحمدالله حفظ کرده و در نقطه تعالی آن ایستاده است، دیگر هیچ سدی در برابر موج بیداری اسلامی ملت‌ها نخواهد ایستاد. دیدیم در آغازین روزهایی که مراسم راهپیمایی اربعین شروع شده بود برخی با جعل اخبار، بزرگ‌نمایی خطرات سفر به عراق و شبیه‌سازی دروغین از وضعیت امنیت، در صدد ایجاد ترس و ناامیدی در مســـیر این حرکت بزرگ بودند که همه این اقدامات و رفتارها، ناشی از ترسی بودکه اربعین امسال، با توجه به شرایط خاص کشور و منطقه، تبدیل به اقتدار برای جمهوری اسلامی شده است.

حمله ناجوانمردانه ارتش تروریستی آمریکا با همکاری دولت دست نشانده سعودی به مواضع «حشدالشعبی» در خاک عراق، نه یک حادثه نظامی منفرد، بلکه یک «راهبرد شکست‌خورده» برای به حاشیه راندن حماسه تمدن‌ساز اربعین بود. دشمنان که از طوفان خروشان میلیون‌ها راهپیمایان حســـینی در هراس بودند، می‌خواستند با هدف قرار دادن ســـتون فقرات تأمین امنیت زوار یعنی حشدالشـــعبی، «ناامنی» را به متن اربعین تزریق کنند. اما مثل همیشـــه تیر آنها به سنگ خورد و با وجود آنکه بیش از ۲۰ نیروی حشدالشـــعبی و چند نیروی امنیتی ایرانی که برای کمک بـــه مقاومت عراق در کنار جریـــان مقاومت عراق قرار داشـــتند و به شهادت رسیدند، کوچک‌ترین خللی در برنامه راهپیمایان چند ده میلیونی اربعین ایجاد نشد.

در اصـــل این جنایـــت، ماهیت واقعـــی دوگانه به هم پیوســـته «آمریکا- سعودی» را بیش از پیش آشکار کرد. آن‌ها خوب می‌دانند که «اربعین»، قلب تپنده جهان اسلام و کانون جوشش اراده‌های پولادینی است که خواب راحت را از چشم مستکبران عالم و اذناب آنها ربوده است. هدف از این تجاوز، فراتر از یک عملیات ایذایی، «ایجاد انشقاق امنیتی» و ترساندن خیل عاشقان حســـین بن علی(ع) بود. آن‌ها در محاسبات حقیرانه خود پنداشتند با شهادت فرزندان غیور دو ملت ایران و عراق که شبانه‌روز در حال حراست از کشورهای خود هستند، می‌توانند خللی در این رزمایش و فســـتیوال عظیم دینی و فرهنگی ایجاد کنند که به لطف خدا تاکنون نتوانستند.

۳- دشمن تصور می‌کرد با این اقدام، ملت ایران و عراق را بر سر یک دوراهی سخت قرار می‌دهد: «امنیت یا زیارت؟». غافل از آنکه برای ملت امام حســـین(ع)، «امنیت» و «زیارت» در یک کفه ترازو جای دارند. این حمله، نه تنهـــا زوار را مرعوب نکرد، بلکه پیوند خونی مدافعان حرم در حشدالشعبی با آرمان‌های حسینی را نزد افکار عمومی جهان پررنگ‌تر ساخت. امروز جبهه نبرد را در دو عرصه می‌توان به سهولت دید؛ چه در خیابان‌های ایران که نزدیک به ۱۶۰ روز اســـت در دفاع مقدس به عنوان پشتوانه میدان حضور دارند و چه در بیابان‌های عراق که خون پاک مدافعان امنیت اربعین، مسیر زوار را متبرک کرده است.

۴- امام حســـین(ع) به ما آموخت که پیروزی، در گرو بقای فیزیکی نیست؛ بلکه در «ایجاد رخنه در نظام باطل» است. درس بنیادین اربعین، «تاب‌آوری راهبردی» اســـت. وقتی میلیون‌ها انســـان با تکیه بر ایمان، سختی‌های مسیر را به جان می‌خرند تا خود را به سرچشمه نور برسانند، یعنی نظام ذهنی آنان در برابر «ترس از دشـــمن» واکسینه شده است. دقیقاً همین الگوست که ستون فقرات تاب‌آوری ملی ما را در برابر جنگ اقتصادی و تبلیغاتی دشمن شکل داده است. دشمن به دنبال فروپاشی نظم ذهنی مردم بود، اما اربعین، نمایشگاه عینی شکست این راهبرد بود. آنگونه که شاهد بودیم دشمن آمریکایی با وجود حمله به حشدالشعبی و بخشی از خاک عراق برای کمرنگ کردن حماسه ماندگار راهپیمایی اربعین و شکست این راهبرد خود دچار انفعال و استیصال شد ونسبت به تعرض مجدد به خاک ایران بارها با وجود تعیین زمان حمله به زیر ســـاخت‌های کشور، عقب‌نشینی کرد. این نشان می‌دهد که گام‌های استوار زائران در مسیر کربلا، پیامی مستقیم به کاخ سفید و تل‌آویو است که «ملتی که از مرگ نمی‌هراسد و با حسین بن علی(ع) بیعت کرده است با هیچ عملیات نظامی و روانی به زانو درنخواهد آمد.»

۵- این نکته نباید فراموش شود در شرایطی که دشمن با تمام قوا سعی دارد واقعیت‌ها را وارونه جلوه دهد، «بصیرت» به معنای شـــناخت دقیق «جبهه» و «دشمن»، بزرگ‌ترین سد دفاعی ما است و باید دانست که هر شایعه و سخن تفرقه‌افکنانه که در فضای مجازی برای ایجاد دودستگی منتشر می‌شود، یک «تیر رسانه‌ای» از سوی اردوگاه استکبار محسوب می‌شـــود و به شدت باید مراقب بود در مسیر هدف چنین تیرهایی قرار نگیریم. این جبهه با دو عرصه «راهپیمایی اربعین و حضور در خیابان»، الگوی ماندگاری از مقاومت و بصیرت را به تصویرکشید که این تصویر که امسال برای اولین بار شاهد آن بودیم در حافظه تاریخی ملت‌ها باقی خواهد ماند وحضور در اربعین امسال که متفاوت‌تر از هر اربعینی بود، خستگی نزدیـــک به ۱۶۰ روز جهاد و مبارزه را از تن ملت ایران بیرون کرد و انرژی تازه‌ای به کالبد مقاومت در منطقه بخشـــید. چراکه راهپیمایان اربعین، فرستاده‌ای از سوی ملت مقاومی بودند که پیام «پیروزی حتمی جبهه حق بر باطل» را به جهانیان مخابره کردند و «راهپیمایی اربعین» و «تجمعات خیابانی» در واقع تلاقی دو اراده پولادینی بود که ملت ایران امسال برای اولین بار هر دو را همزمان به رخ جهانیان کشاند.

حسن رشوند

رویترز: ذخایر موشک‌های آمریکا پس از جنگ با ایران تقریباً تمام شد

خبرگزاری رویترز به نقل از منابع آگاه گزارش داد که ارتش تروریســـتی آمریکا تقریبا تمام موشک‌های دوربرد نقطه‌زن خود را در حملات متجاوزانه علیه ایران مصرف کرده است- موضوعی که نگرانی‌ها درباره درگیری‌های آتی آمریکا را افزایش داده است.

رویتـــرز بنا بر ادعای ســـه منبع آگاه گزارش داد، ارتش تروریســـتی ایالات متحـــده آمریکا در طی جنگ متجاوزانه و غیرقانونی علیه ایران که وارد ششمین ماه خود شده است بخش زیادی از ذخیره موشـــک‌های دوربرد بســـیار دقیق خود را مصـــرف کرده اســـت که این موضوع نگرانی‌هایی را درباره آمادگی نظامی این کشور برای درگیری‌های آینده ایجاد کرده است.

خبرگزاری رویتـــرز گزارش داد: ایـــن موشـــک‌ها عمدتا ســـلاح‌های زمین‌به‌زمیـــن ارتش هســـتند که با نام‌های ســـامانه موشـــکی تاکتیکی ارتش (اتکمز) و موشـــک‌های اصابت دقیق (پی‌آراس‌ام) شناخته می‌شوند.

به گفتـــه دو نفـــر از منابع آگاه، ایالات متحـــده «تقریبـــا تمام» این سلاح‌ها را استفاده کرده است.

همچنیـــن طبـــق گزارش‌هـــای رســـانه‌ای، ارتـــش آمریکا بـــه دلیل رهگیری حملات پرحجم موشـــکی و پهپادی ایران در منطقه که در پاسخ به تجاوزگری آمریکایی- صهیونیستی در عملیات وعده صادق ۴ علیه منافع و پایگاه‌های آمریکایی در کشورهای منطقه و علیه اهدافی در سراسر اراضی اشغالی مواجه شـــد، با کمبود شدید موشـــک‌های ســـامانه‌های پدافندی پیشـــرفته مواجه است. پنتاگون قرار بود برای تامین دوباره این مهمات از کنگره درخواست بودجه اضافی کند.

این میزان کاهش شـــدید ذخایر موشـــک‌های اتکمـــز و پـــی‌آراس‌ام ارتش، پیش از این گزارش نشده بود. این مهمات دوربـــرد بخش مهمی از زرادخانه نظامی را تشـــکیل می‌دهند و امـــکان حمـــلات دقیـــق از فاصله ایمن را فراهم می‌کنند. موشـــک‌های اتکمز تامین‌شده توسط آمریکا نقش کلیدی در جنگ اوکراین ایفا کرده‌اند و به نیروهـــای اوکراینی امکان حمله بـــه اهداف در عمق خاک روســـیه را داده‌اند. موشـــک پی‌آراس‌ام نســـل جدید و پیشـــرفته‌تری که جایگزین اتکمز خواهد شد، برد کوتاه‌تری دارد. کارشناسان می‌گویند این سلاح‌ها که هـــر کدام بیش از یـــک میلیون دلار هزینه دارنـــد در هر درگیری با چین نیز حیاتی خواهند بود. منابع از اعلام تعداد دقیق باقی‌مانده از هر یک از این مهمات خودداری کردند.

دونالـــد ترامـــپ، رئیس‌جمهور آمریکا ایـــن تجاوزگری علیه ایران را گشت‌وگذار کوتاه توصیف کرده بود اما با طولانی‌شدن جنگ، سه منبع آگاه ابـــراز نگرانی کردند که کاهش ذخایر موشکی می‌تواند توانایی آمریکا را در بازدارندگی در برابر دشمنان، از جمله روسیه و چین محدود کند.

منبع آگاه دیگـــری نیز گفت در حالی که فرماندهـــی مرکزی ایالات متحده (ســـنتکام) که بـــر نیروهای آمریکایی در غرب آسیا نظارت دارد- تقریبا تمام موشک‌های زمین‌پایه‌ای را که پیش از شروع جنگ در اختیار داشـــت، مصرف کرده است، توانسته از ذخایـــر ارتـــش در جاهـــای دیگر جایگزین کند. رویترز در ادامه نوشت: کارشناســـان با وجود این که موافقند برخـــی مهمات، از جملـــه گلوله‌های توپخانه و چند نوع موشک، با نرخ‌های بی‌ســـابقه‌ای تولید می‌شوند، هشدار داده‌اند که عرضه ممکن اســـت بسیار کمتر از آن چیزی باشد که برای یک جنگ طولانی‌مدت مورد نیاز است.

شـــان پارنل، ســـخنگوی ارشد پنتاگون در پاســـخ بـــه اظهارنظرها در این بـــاره گفت: «ارتـــش آمریکا قدرتمندتریـــن ارتش جهان اســـت و هر آنچه بـــرای اجـــرای عملیات در زمان و مکان مورد نظر رئیس‌جمهور نیـــاز دارد، در اختیار دارد. ما عملیات موفق متعـــددی را در فرماندهی‌های جنگـــی مختلف اجـــرا کرده‌ایم و در عین حال اطمینـــان حاصل کرده‌ایم که ارتـــش آمریـــکا دارای زرادخانه عمیقی از قابلیت‌ها برای محافظت از مردم و منافع ما اســـت.» کارشناسان می‌گویند به دلیل این که این سلاح‌ها امکان حمله به اهداف از فاصله دور را به ارتش آمریـــکا می‌دهند در جنگ با دشـــمنی که دفاع هوائی قوی دارد - مانند چین- ارزشمند خواهند بود.

به گزارش ایسنا، همچنین بر اساس گزارش مرکز مطالعـــات راهبردی و بین‌الملل، ذخایر موشـــک پی‌آراس‌ام از ابتدا پایین بود، چرا که این مهمات نسبت جدید اســـت اما ارتش آمریکا تعـــداد زیادی از آن‌ها را برای ســـال ۲۰۲۷ سفارش داده است. ارتش گفته است که اتکمز در شرف بازنشستگی اســـت و تولید به سمت موشک‌های جدیدتر پی‌آراس‌ام پیش می‌رود.

گزارش سی‌ان‌ان از ضربه ایران به قلب زیرساخت‌های هوش مصنوعی آمریکا

ایران با هدف قرار دادن مراکز داده و هوش مصنوعی آمریکا در منطقه، آســـیب‌پذیری غول‌های فناوری را آشکار کرد.

شبکه آمریکایی سی‌ان‌ان گزارش داد: درگیـــری میـــان ایـــران و آمریکا وارد مرحله تازه‌ای شـــده و مراکز داده هوش مصنوعی در منطقه خلیج‌فارس به یکـــی از اهـــداف حمـــلات تبدیل شـــده‌اند؛ موضوعی که نگرانی‌ها درباره آسیب‌پذیری زیرســـاخت‌های حیاتی فناوری در برابر درگیری‌های نظامی را افزایش داده است.

بر اساس گزارش‌ها، ایران در جریان این درگیری‌هـــا چندین مرکز داده در کشـــورهای منطقه را هـــدف حملات موشـــکی قرار داده است. این حملات، مراکز داده‌ای را تحت تأثیر قرار داده که نقش مهمی در توسعه فناوری‌های هوش مصنوعی، خدمات ابـــری و پروژه‌های راهبردی دولت‌ها دارند.

در یکی از این موارد، یک مرکز داده شرکت آمازون در بحرین برای دومین بار هدف حمله موشکی قرار گرفت. شرکت آمازون درباره این حملات اظهارنظری نکرده، اما داشـــبورد خدمات ابری این شـــرکت از اختـــلال در منطقه پس از حمله نخست در ۳۰ آوریل خبر داده و تصاویر ماهواره‌ای نیز خسارات گسترده به این مرکز را نشان داده است.

ســـپاه پاســـداران ایـــران پیش‌تر فهرستی از ۲۹ هدف فناوری در منطقه منتشر کرده بود که شامل مراکز مرتبط با شـــرکت‌هایی مانند آمازون، گوگل، مایکروسافت، انویدیا و پالانتیر می‌شد. تهران اعـــلام کرده بـــود برخی از این مراکز به دلیل ارتباط با خدمات ابری و قراردادهای دفاعی آمریکا، اهداف نظامی محسوب می‌شوند.

مراکز داده کشـــورهای حاشـــیه خلیج‌فـــارس در ســـال‌های اخیـــر به بخـــش مهمـــی از برنامه‌های توســـعه هـــوش مصنوعی این منطقـــه تبدیل شـــده‌اند. عربستان ســـعودی و امارات ســـرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در این حوزه انجام داده‌اند و چندین شـــرکت بزرگ فناوری آمریکا نیز در پروژه‌های مرتبـــط با هوش مصنوعـــی در منطقه مشارکت دارند.

کشـــورهای بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات مجموعاً بیش از ۲ تریلیون دلار سرمایه‌گذاری مرتبـــط بـــا هـــوش مصنوعـــی را با همکاری آمریـــکا برنامه‌ریزی کرده‌اند؛ ســـرمایه‌گذاری‌هایی کـــه همزمان با افزایـــش تنش‌هـــای منطقـــه‌ای، این زیرســـاخت‌ها را در معرض تهدیدهای امنیتی قرار داده است.

کارشناسان معتقدند دلیل اهمیت یافتـــن این مراکز در جنگ‌های جدید، نقش حیاتـــی آنها در اقتصاد و فناوری هوش مصنوعی اســـت. حمله به مراکز داده می‌تواند با هزینه‌ای نسبتاً پایین، اختلال قابل توجهی در زیرساخت‌های فنـــاوری ایجـــاد کند. از ســـوی دیگر، کشـــورهایی که این مراکز را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند آنها را به دلیل ارتباط احتمالی با خدمـــات نظامی و دولتی، اهداف مشروع معرفی کنند.

«اندرو ردی»، اســـتاد سیاســـت عمومی دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، گفت مراکز داده لزوماً برچسب نظامی ندارند، اما ممکن است همزمان میزبان داده‌های مرتبـــط با امور نظامـــی و فعالیت‌های تجاری باشند. به گفته او، از نگاه ایران، شرکت‌هایی مانند آمازون که خدمات ابری به نهادهای آمریکایی ارائه می‌کنند، می‌توانند بخشـــی از زیرســـاخت‌های مرتبـــط با قدرت نظامـــی آمریکا تلقی شوند. به گزارش تسنیم، حملات اخیر نگرانی‌هایی را برای شرکت‌های فناوری و دولت‌هایـــی کـــه به دنبال توســـعه مراکز داده هســـتند، ایجاد کرده است. کارشناسان می‌گویند این مراکز در عمل ساختمان‌هایی بزرگ با تجهیزات بسیار گران‌قیمت هستند و مقاوم‌سازی کامل آنها در برابر حملات موشکی و پهپادی دشوار است.

خبر ویژه

خودتحقیرها
عریضه‌نویس کاخ سفید شده‌اند!

همزمان با بن‌بست نظامی آمریکا در میدان نبرد، جریان مدعی اصلاحات بار دیگر با آدرس غلط به افکار عمومی و تمسخر اقتدار دیپلماتیک کشور، نسخه تسلیم و خلع‌سلاح در برابر ترامپ را پیچیدند؛ خط‌دهی مرعوبانه‌ای که با ترساندن مردم از تداوم مقاومت، رسماً نقش جاده‌صاف‌کن دشمن را ایفا می‌کند.

هرگاه در میدان نبرد و تحولات منطقه، کار به نقطه‌ای می‌رســـد که ترامپ قمارباز به غلط‌کردن می‌افتد و ماشـــین جنگی استکبار به فرصتی برای تنفس و بازسازی احتیاج پیدا می‌کند، به ناگاه شبکه غرب‌پرستان مدعی اصلاح‌طلب از لاک خود سر بیرون می‌آورند. همان جریانی که زندگی بدون آمریکا را مایه ننگ خویش می‌پندارند، در نقش پیاده‌نظام غرب وارد میدان شـــده و شروع به عریضه‌نویسی می‌کنند؛ اظهاراتی که عصاره آن، چیزی جز دعوت به تسلیم بی‌قید و شرط، خلع سلاح نیروهای مسلح و کرنش در برابر دشمن غدّار نیست.

در تازه‌ترین نمونه از این دست‌وپا زدن‌های حقارت‌بار، از بازداشتی‌های فتنه ۸۸ به نام «احمد. ز» در اظهاراتی که تجلی کامل کج‌فهمی از تحولات کلان سیاسی و ژئوپلیتیک اســـت، به وضوح نسخه ذلت و تسلیم می‌پیچد. او با انتقاد از موضع مقتدرانه دستگاه دیپلماسی در نفی التماس به دشمن، با تمسخر می‌نویسد:«به‌رغم اطلاع از برنامه ترامپ برای حمله به تأسیسات کشور، وزارت خارجه عارش آمده و یا کسر شأن خود دیده که خواستار انصراف او از حمله به ایران شود؟ سبحان‌الله از این همه عزتِ نفس از جیب کشور!»

باید از این تئوریســـین‌های خودتحقیر پرســـید آیا واقعـــاً نمی‌دانند که اگر جمهوری اســـلامی ایران، حتی صنعت هســـته‌ای و توان موشکی خود را تعطیل کرده و نیروهای مسلح کشور را خلع‌سلاح نماید و دودستی تسلیم آمریکا بکند، جریان ابلیســـی و اپستینی حاکم بر آمریکا و اسرائیل، علاوه بر بلعیدن ایران، به هیچ چیز و هیچ‌کس رحم نخواهند کرد؟

از منظر این از نفس افتاده‌ها، به جای درگیر شـــدن با بت اعظم‌شـــان یعنی آمریکا، باید همواره تسلیم شد و امتیازات نقد را تقدیم کرد تا شاید در قبال آن، از رؤیاهای فراوان (و نه فرصت‌های عینی) برخوردار شد. همان رؤیاهای توهم‌زایی که بنا بود بیش از ده سال قبل «چرخ اقتصاد و سانتریفیوژها» را با هم بچرخاند، اما چرخ همان معاهده خسارت‌بار نیز توسط خود ترامپ شکسته شد. فی‌الحال نیز بند به بندِ تفاهم‌نامه‌ای که خود ترامپ امضا کرده بود، نقض و در نهایت کشته شد.

وی در بخـــش دیگـــری از مرقومه مرعوبانه خود، با ایجاد وحشـــت از تقابل احتمالی و در دفاع از عدم پاســـخگویی به دشـــمن، می‌نویسد:«آن کسانی که از یک طرف، هر نوع مذاکره و بازگشت به تفاهم‌نامه را رد می‌کنند و از طرف دیگر، حمله به تأسیسات انرژی کشورهای عرب همسایه را در واکنش به هرگونه حمله آمریکا به تأسیســـات انرژی کشورمان تجویز می‌کنند، لازم است به یک پرسش بنیادی پاسخ دهند.»

او سپس با ترسیم یک سناریوی آینده‌نگرانه برای ترساندن افکار عمومی ادامه می‌دهد: «آمدیم و ترامپ حماقت کرد و دســـتور نابودی ساختارهای اقتصادی و انرژی ایران را صادر کرد و در مقابل ایران هم تمام منابع انرژی و زیرساخت‌های اقتصادی هر شـــش کشور حوزه جنوبی خلیج‌فارس به علاوه اردن و آنچه از این قبیل منابع در اســـرائیل قابل هدف‌گیری اســـت، به کلی نیست و نابود کرد. بعد از آن‌چه؟ منظور این اســـت که از آن پس زندگی عادی در ســـرزمین ما چگونه جریان خواهد داشت؟»

پاسخ به این یأس‌پراکنی روشن است؛ اتفاقاً دقیقاً به دلیل همین بازدارندگی کوبنده و توان نابودی شاهرگ‌های انرژی و اقتصادی دشمنان است که «زندگی عادی» در سرزمین ما جریان دارد و سایه جنگ دور شده است. التماس به دشمن برای انصراف از حمله، نه تنها سایه جنگ را دور نمی‌کند، بلکه فرش قرمزی برای نابودی قطعی کشور است.

آمریکا شیپور «جنگ» می‌زند
مدعیان اصلاحات «طبل مذاکره»

در حالـــی که دونالد ترامپ با انتقال صحنه نبـــرد از میدان واقعی به فضای مجازی، مشـــغول جنگ رســـانه‌ای علیه ایران اســـت و از «تروث سوشال» روان مردم را هدف می‌گیرد، مدعیان اصلاحات شیپور «عقب‌نشینی» زده و بر «طبل مذاکره» می‌کوبند.

«بلوف» یک روزه ترامپ و انتقال صحنه نبرد از میدان واقعی به فضای مجازی، پشت پرده تسلیحاتی آمریکا را نمایان کرد؛ پس از دیدار رئیس‌جمهور ماجراجوی آمریکا و نتانیاهو در کاخ سفید، ترامپ در ۳۱ جولای ۲۰۲۶ (۹ مرداد ۱۴۰۵) از تدارک حمله جدید به ایران گفت اما ۱ آگوســـت (۱۰ مرداد) با انتشار پیامی در تروث سوشال از لغو حمله خبر داد.

کانال ۱۲ رژیم صهیونیســـتی از حیـــرت و تعجب کابینه نتانیاهو خبر داد و اعتراف کرد: «نتانیاهو و اعضای کابینه امنیتی از طریق پســـت ترامپ از تصمیم لغو حمله به ایران مطلع شدند».

«باراک راوید»، خبرنگار «اکســـیوس» نیز نوشت: «لغو حملات به ایران، بار دیگر نشان داد که میزان نفوذ نتانیاهو بر ترامپ تا چه اندازه کاهش یافته است».

در پس حیرت «شبکه ۱۲ رژیم» و تحلیل باراک راوید، روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» به واقعیت ماجرا اشـــاره کرد و نوشت: «موشک‌های رهگیر پدافندی سریع‌تر از آنچه تولید و جایگزین شوند، مصرف می‌شوند. ادامه درگیری نیز ذخایر سامانه‌های دفاع موشکی کوتاه‌برد و میان‌برد مانند پاتریوت را که در اختیار آمریکا، اسرائیل و دیگر متحدان منطقه‌ای آن‌هاست، کاهش داده است»؛ با وجود کمبود ذخایر و دست به عصا راه رفتن ترامپ، جنگ متوقف نشده و از صحنه واقعی به حوزه مجازی انتقال یافته اســـت اما مدعیان اصلاحات به جای مقابله با دشمن، شیپور عقب‌نشینی یا طبل مذاکره می‌زنند.

۱۱ مـــرداد یـــک روز پس از «بلوف یک روزه ترامـــپ» و لغو حمله، روزنامه زنجیره‌ای «سازندگی» نوشت: «زمان تصمیم بزرگ فرا رسیده است»؛ این روزنامه ذیل تیتر «هزینه‌های جنگ و فرصت‌های صلح» ما را به ترک مخاصمه با حریف جنگ‌طلب خواند و ادامه داد: «در سیاست، گاهی بزرگ‌ترین پیروزی نه در ادامه نبرد بلکه در یافتن راهی برای پایان دادن به آن است».

پس از توصیه به عقب‌نشینی در مقابل جنگ‌طلبان، حزب اشرافی کارگزاران نیز با صدور بیانیه‌ای بر طبل مذاکره کوفت و توافق با کســـی که به عهدشـــکنی شهرت دارد را صلاح کار خواند؛ کارگزاران طی یک اقدام «طنزآمیز» به دستگاه دیپلماسی ماموریت داد که بر سر داشته‌هایمان با آمریکا به مذاکره نشسته و به توافقی شرافتمندانه برسد.

این حزب با نادیده گرفتن قدرت و سلطه بلامنازع ایران در هرمز نوشت: «ضمن ادای احترام به ظرفیت‌های تاریخی و تمدنی جغرافیای سیاسی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز، معتقدیم دستگاه دیپلماسی کشور می‌تواند به توافقی شرافتمندانه برای حفظ این شریان و شاهرگ ژئوپلیتیک ایران در شرایط صلح برسد».

آخرین فرصت ایران
یا آخرین نفس ترامپ؟!

ادعای گستاخانه رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر دادن «آخرین فرصت به ایران» در حالی مطرح می‌شـــود که میدان نشـــان می‌دهد واشنگتن به نفس افتاده و با وارونه‌سازی واقعیت، به دنبال پنهان‌کردن شکست تاریخی خود است.

در حالی که گزارش‌های میدان، رسانه‌های غربی، ذخایر تسلیحاتی ته کشیده واشـــنگتن و بازار ملتهب نفت همگی از به نفس‌افتادن کاخ سفید خبر می‌دهند، ترامپ جنایتکار بار دیگر شوی تبلیغاتی جدیدی به راه انداخته است. رئیس‌جمهور آمریکا که به اعتراف رسانه‌های غربی، شگرد همیشگی‌اش «ادعای پیروزی حتی در اوج شکســـت» است، در تازه‌ترین اظهارات گستاخانه خود مدعی شده است: «می‌خواهم قبل از سر بریدن، آخرین فرصت را به ایران بدهم!»؛ ادعایی مضحک که بیشـــتر به جیغ بنفش ناخدا در کشـــتی در حال غرق شدن شباهت دارد تا موضع قدرت.

نگاهـــی به آنچـــه در صحنه عملیاتی و سیاســـی می‌گـــذرد، حقیقت این «معکوس‌سازی روایت» را به خوبی روشن می‌سازد:

تاکر کارلسون، مجری و تحلیلگر سرشناس آمریکایی صریحاً اذعان می‌کند که جنگ علیه ایران، فاجعه‌بارترین تصمیم تاریخ آمریکا و نقطه پایان دوره‌ای است که واشـــنگتن توان اثرگذاری بر رویدادهای جهان را داشت. او تاکید می‌کند که این جنگ هرگز قابل پیروزی نبوده و تماماً به ضرر ایالات متحده و سطح زندگی مردم غربی تمام شده است.

همچنین روزنامه بریتانیایی گاردین در تحلیلی از راهبرد شکست‌خورده ترامپ می‌نویســـد که برخلاف ادعاهای ترامپ، این ایران اســـت که کاملاً ابتکار عمل را در دست دارد. شلیک دقیق موشک‌های بالستیک به پایگاه‌های آمریکا و کنترل کامل بر تنگه هرمز ثابت کرده که ایران هر زمان بخواهد معادله را تغییر می‌دهد. به نوشته گاردین، تاکتیک‌های روی کوهن (وکیل بدنام و استاد ترامپ) مبنی بر «ادعای پیروزی تحت هر شرایطی» در برابر جمهوری اسلامی کاملاً کارایی خود را از دست داده است.

علاوه‌بر این، طبق گزارش‌های غربی، کمبود شدید مهمات کلیدی در ارتش آمریـــکا که برای رویارویی احتمالی با رقبـــای بزرگ‌تری چون چین حیاتی بود واشـــنگتن را به شدت نگران کرده است. از ســـوی دیگر، مسدود ماندن شریان نفت جهان در تنگه هرمز، اقتصاد آمریکا و متحدانش را به زانو درآورده و ادعای ترامپ مبنی بر «توافق قریب‌الوقوع» صرفاً از اســـتیصال او برای بازگشایی هرمز ناشی می‌شود.

در آســـتانه انتخابات میان‌دوره‌ای، نظرسنجی‌های رویترز/ایپسوس نیز نشان می‌دهد کمتر از یک‌سوم مردم آمریکا از این جنگ هوس‌بازانه حمایت می‌کنند و حـــدود ۷۰ درصـــد تاکید دارند که ترامپ هیچ هدفی برای این درگیری ندارد. خطری که از دســـت دادن مجلس نمایندگان و ســـنا را برای جمهوری‌خواهان قطعی کرده است.

بنابراین، حقیقت روشن است؛ ترامپ در باتلاقی که خود ساخته گرفتار شده و با چرخش‌های ۱۸۰ درجه‌ای-یک روز تهدید به «ضربه ســـنگین» و روز دیگر التماس برای «چارچوب توافق»- تلاش می‌کند از فروپاشـــی تصویر قدرت خود جلوگیری کند. اما همان‌طور که رســـانه‌های غربی معترفند، غیرقابل‌پیش‌بینی بـــودن راهبردی ایران، موقعیت چانه‌زنی تهران را در عالی‌ترین ســـطح قرار داده اســـت. تاجر ورشکسته واشنگتن باید بداند طرفی که در موقعیت دادن «آخرین فرصت» قرار دارد، ملت مقتدر ایران اســـت نه رئیس‌جمهوری که برای خروج از بحران دست و پا می‌زند.

گفت و شنود

نمیشه اونجا نری؟!

گفت: وزیر خزانه‌داری آمریکا در مصاحبه‌ای ادعا کرده اســـت که «ممکن است فردا با ایران درباره تنگه هرمز به توافق برسیم»! و با این ادعا قیمت جهانی نفت را چند دلار کاهش داده است!

گفتم: حالا راست می‌گوید؟! و توافقی در جریان است؟!

گفت: چند ماه است که ترامپ و سایر مقامات آمریکایی برای کنترل بازار نفت، همین ادعای دروغ را مطرح می‌کنند! ولی مســـئولان کشورمان در این خصوص توضیحی نمی‌دهند تا آنجا که «برت اریکســـون»، کارشناس انرژی در مصاحبه‌ای ابراز تعجب کرده اســـت چرا مسئولان ایران همان لحظه اعلام نمی‌کنند که این ادعا دروغ است؟!

گفتم: حالا مسئولان مربوطه درباره ادعای وزیر خزانه‌داری آمریکا موضعی گرفته‌اند یا نه؟!

گفت: مثل همیشه باید منتظر آن مقام آگاه باشیم که نمی‌خواهد نامش فاش شود!

گفتم: از یک شخص کم‌حوصله، آدرس یک جای دور را می‌پرسند. میگه؛ حالا نمیشه اونجا را بی‌خیال بشی و یک جای نزدیک‌تر بری؟!

نکته

دستاوردی که کمتر دیده شده است

**۱- یکی از بزرگ‌ترین دســـتاوردهای دو جنگ ۱۲روزه و جنگ رمضـــان، که کمتر مورد توجه قرار گرفته اســـت، پرده‌برداری از چهره واقعی سران برخی از کشورهای عربی و برملا شدن هویت نه فقط منافقانه، بلکه مشرکانه آنهاست. مشارکت آشکار آنها با آمریکا و رژیم صهیون